



روزنگار هیئت میثاق با شهدا | شب پنجم  
 بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام  
 ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ | چهارم محرم | شماره ۵۴



# بچه‌های بدبخت!

## با این تربیت، عبدالله بیرون نمی‌آید

## عبدالله‌ها در فلسطین



...عبدالله‌ها در فلسطین...

تصویر بالا نمایشی از رشادت‌های احمد شراکه کودک فلسطینی، در جریان درگیری‌های این روزها در شهر رام الله است. این کودک در جریان درگیری با نظامیان صهیونیست در نزدیکی پست بازرسی شهرک یهودی به شهادت رسید. این روزها کودکانی از جنس عبدالله، حماسه‌های فراوانی را در مقابل یزیدیان زمان خلق کرده‌ و در دست‌های کوچکشان خواب را از چشم دشمن ربوده است.

آرمان‌خواهی مستلزم صبر بر رنج‌هاست، پس برادر خوبم، برای جانبازی در راه آرمان‌ها، یاد بگیر که در این سیاره‌ی رنج، صبورترین انسان‌ها باشی. دنیا دار ابتلائات و آزمایش‌های گوناگون برای آبدیده شدن و پرورش انسان است تا به سمت هدف والا و نهایی خود پیش رود. چه بسیار در اشتباهند آنان که می‌اندیشند دنیا دار خوشی و منزلگاهی پایدار است. ایشان با هدف خلقت خود بیگانه‌اند و زندگی را در عیش و نوش و خور و خواب یافته‌اند؛ حال آنکه اگر در اهداف خود تنها کمی تامل و تفکر کنند، از پستی اهداف خود شرم خواهند کرد. عده‌ای دنیا را چراگاه تصور نمودند تا بخورند تا بخورندشان و بنوشند تا بدوشندشان، حال آنکه دنیا نشئه‌ای برای عبد شدن است. حضرت رسول اکرم (ص) در نوع تربیت فرزند انسان قائل به سه مرحله ۷ ساله هستند؛ ۷ سال ابتدایی برای بازی و دوره آزادی فرد است، ۷ سال دوم دقیقا زمانی است که فرد باید عبد باشد و عبودیت را فرا گیرد و ۷ سال سوم وزیر است و از مشورت‌های او بهره برداری می‌شود. چه بسیار اشتباه است رفتارهای پدران و مادرانی که تصور می‌کنند باید در ۷ سال دوم همه گونه امکانات رفاهی و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند، بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. وعده الهی بر این تحقق یافته که مستضعفین وارث ارض باشند اما این استخلاف جز با تحمل و استقامت بدست نخواهد آمد. آینده این انقلاب برای تحقق وعده الهی، عبدالله‌هایی می‌خواهد که همچون کربلا با حماسه خود دشمن را به زانو در آورده و حال باید به فکر آن بود که تربیت فرزندان در خانواده‌های ما عبدالله‌های این انقلاب را تربیت می‌کند؟! در برابر هر سختی لب به

**پدران و مادرانی که بستری نرم و راحت برای فرزندان خود می‌گسترانند، فرزندان خود را بدبخت می‌کنند، چرا که دنیا دار تزاممات است و قرار نیست انسان در دنیا استقرار یابد**

راحت‌طلبی را برای فرزندان خود فراهم کنند. پدران و مادرانی که بستری نرم و راحت برای فرزندان خود می‌گسترانند، فرزندان خود را بدبخت می‌کنند، چرا که دنیا دار تزاممات است و قرار نیست انسان در دنیا استقرار یابد و به تمام مطلوب خود برسد و کسانی که این‌گونه تربیت یافته‌اند را توان رویارویی با مشکلات و سختی‌ها نیست و در برابر هر سختی لب به

سال ۱۳۸۲ میان دولت اصلاحات و بخشی از دنیای کفر مذاکراتی در جریان بود تا انرژی هسته‌ای ایران را پلمپ کنند. ملت غیور ایران به خیابان‌ها ریختند، شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» را یکصدبار فریاد زدند، اما دولت اصلاحات در نهایت به خواسته مردم پشت پا زد و انرژی هسته‌ای کشورمان را پلمپ کرد. توافق سعادت‌آباد میان دولت غرب‌گرای ایران با اروپا منعقد شد و صدای جشن و سرور غرب‌زدگان در جامعه طنین انداخت که دید می‌شود با دشمن هم به نتیجه مثبت رسید؟ وضعیت دولت و مجلس به نحوی بود که حتی رهبری نیز برای حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی، موقتاً با آن توافق ننگین مخالفتی نکرد و با اشاراتی به امت حزب الله فهماند که «جنگ ما با کفر تمام شدنی نیست». دوران پساتوافق از سال ۸۲ شروع شد و در سال ۸۴ به ثمر نشست. توافق سعادت‌آباد نتوانست امت حزب الله را به



با وعده‌های شیرین و دروغ مانع روشن شدن افکار عمومی بشود و آن چنان صنعت هسته‌ای را با سیمان و بتن نابود کند که حتی اگر ملت ایران زیر بار ذلت و تسلیم نرفت و خواست از حق مسلم خویش دفاع کند، تا سال‌ها نتواند به آن دست پیدا کند. دوران پساتوافق یک درگیری سخت و نفس‌گیر میان ملت ایران و شیفتگان غرب را نوید می‌دهد که بسیار بعید است که در ۲ سال به اتمام برسد. امریکا و تفاله‌هایش قطعنامه‌ای با طول مدت ۲۵ سال علیه انقلاب اسلامی تنظیم کرده‌اند و نایب امام زمان هم وعده نابودی اسرائیل در ۲۵ سال را داده است. روزهای پیچیده و قشنگ و سختی در پیش داریم و می‌دانیم که آینده بشریت را ما خواهیم ساخت و به فضل الهی این ما هستیم که غرب را به زانو در خواهیم آورد.

گریختند تا حقایق پشت پرده آن توافق ننگین را برای تاریخ روشن کنند. دوران پساتوافق در سال ۹۴ نیز به همان منوال سال ۸۲ خواهد گذشت، اما جریان غرب‌زده با تجربه‌تر شده: سعی می‌کند با برچسب و توهین و دروغ و هوچی‌گری امت حزب الله را به انفعال و حاشیه بکشاند؛

حاشیه براند. نهضت روشنگری اوج گرفت و حقایق تسلیم و ذلت در برابر کفر بر مردم روشن شد. کار تا بدانجا بالا کشید که همان دولتی که حق مسلم ملت را پلمپ کرده بود، ناچار شد پلمپ را بگشاید و اشتباهش را بپذیرد. چند سال بعد، برخی از وزرا و نزدیکان دولت اصلاحات به غرب



## مجلس ذکر، مجلس فکر است

کلیدواژه‌های تفکر در خلاصه سخنرانی شب چهارم استاد پناهیان



که اکثر عبادت حضرت اباذر تفکر بود.  
 \* هر هدفی را که انتخاب کردید به مرگ آن نیز فکر کنید.  
 \* حتی سخنرانی مذهبی نیز جای تفکر را نمی‌گیرد.  
 \* بدون داشتن هدف نزدیک شدن به خدا، با هر عملی خوبی باز جهنمی خواهید شد!

\* ذکر تکرار اندیشه با همراهی دل است.  
 \* مجلس ذکر، مجلس فکر است. تاثر از مجالس باید ناشی از اندیشه باشد.  
 \* فکر کردن را به بچه‌هایتان یاد دهید.  
 \* کفر نتیجه بی‌فکری است.  
 \* هنر باید انسان را به فکر وادار کند.  
 \* در روایتی از امام صادق (ع) آمده است

العالم» می‌گوید منتقم؟

تمام سال را مراقبت می‌کرد که هل من ناصر حسین را لبیک بگوید. حسینی که مماتش حیات بود برای عاشوراییان. اگر دیروز همه‌ی یاران و شیدایان حسین در عاشورا خود را به کربلا رساندند و او حاضر نبود، امروز در اربعین خود را به کربلا می‌رساند، که همه‌ی شیدایان حسین از همه‌ی عالم جمعند. از همه‌ی عالم جمعند و سعی صفا و مروه می‌کنند بین قربانگاه دو ذبح عظیم؛ از همه‌ی عالم جمعند و پروانه‌وار کعبه‌ی عشق را طواف می‌کنند و ندای هل من ناصر را لبیک می‌گویند، لبیک اللهم لبیک... چراکه شنیده‌اند منتقم از کنار کعبه ظهور می‌کند و آنان را می‌خواند: ألا یا اهل العالم... موسم حج نزدیک است، احرام از محرم بپند؛ حیات از عاشورا بگیر؛ موعداً أربعین.

آمده که باری تعالی هم شب جمعه هیوط می‌کند در کربلا.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است... حسین که می‌گویم منظور حسین عطشان و بی‌کس و بی‌ناصر و قدخمیده نیست، حسینی را می‌گویم که بی‌توجه به این قلّه و آن کثره، گفت: «هیئات منا الذلّة»؛ این را از علی به ارث برده بود، از فاطمه. حسین که می‌گویم منظور حسینی است که سر داد اما تن به ظلم نداد. حسینی که عباسش دست داد اما دست نداد. حسینی را می‌گویم که هل من ناصرش را برای تاریخ گفت؛ برای خمینی، برای ایران، برای عراق، برای یمن، برای بحرین، برای لبنان، برای سوریه، برای فلسطین، برای افغانستان، برای آذربایجان، برای قطیف و احساء؛ نه، برای کل جهان بود فریاد حسین؛ مگر نشنیده‌ای «ألا یا اهل

## احرام بپند که حج نزدیک است

تمام سال را مراقبت می‌کرد تا به رمضان المبارک برسد؛ تا لیلۃ‌القدر را ببیند؛ تا قرآن به سر بگیرد تا به سر قرآن برسد، تا بگوید: بالحسین... تا به او اجازه بدهند که لیلۃ‌القدر عالم را درک کند، تا محرم حسین را درک کند که سرنوشت نه یک سال، که کل تاریخ در آن مقدر شد. اگر ملائکه هر سال یکبار در لیلۃ‌القدر نازل می‌شوند، تمام انبیاء و اوصیاء هر شب جمعه نازل می‌شوند بر حسین، حتی در روایت

# مذاکره با آمریکا ممنوع است

مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها میخواهند راه را برای تحمیل باز کنند...مذاکره‌ی با آمریکا ممنوع است به خاطر ضررهای بی‌شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد.



## تحریف امام (ع)

«از امور بسیار بااهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکستان ها تا دانشگاه ها است که به واسطه اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می گذرم . باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاه ها بوده است. اگر دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت زده تحمیل نمی شد...»



(وصیت نامه ی سیاسی- الهی امام خمینی ره)



❖ دانشجو: اردوی مختلط این بار به نام کویر نوردی در خراسان جنوبی

❖ فارس: بزرگترین مصیبت ایران نظام آموزشی متوسطه است

❖ کیهان: برگزاری کنسرت مختلط در ۲ دانشگاه

❖ مشرق نیوز: چه کسی بر کتاب های دوم دبستان نظارت می کند؟

# زهیر قاطی بازی سیاسی شد

یک تلنگر حسین، زهیر یکی از نام آوران جبهه حق شد... جبهه‌ای که می‌توانست با زهیر ماندن زهیرها، دوباره اسیر حیل‌های کدخدای ذهن مسلمین شود! بین که عشق به رسول خدا و فرزندان او چه نکرده است! فرض کن حسین زهیر را به نزد خود نمی‌خواند و این هفتاد و دو، می‌شد هفتاد و یک! فرض کن زهیر در تردید ذهنی خود باقی می‌ماند و به خیال خودش، قاطی بازی‌های سیاسی حسین نمی‌شد! چه اتفاقی می‌افتاد؟ هیچ! اگر زهیر در کربلا نمی‌بود هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و کربلا همچنان کربلا می‌بود و حسین همچنان سالار شهیدان... بلوای کربلا بستر بیدار شدن زهیرها بود که مبادا از قافله جا بمانند... ای کاش هیچ‌کس دیر بیدار نشود! طوبی لک الشهاده، یا زهیر! طوبی لک!

شده! حسین کارش را کرده بود! پیکی فرستاد و «زهیر بن قین» یار دیرینه رسول خدا را به نزد خود خواند. دلش نمی‌خواست بعد این همه سال زندگی آرام و مومنانه، به خیال خودش قاطی بازی سیاسی بشود و از جناح حسین دفاع کند! مردم عراق چه می‌گویند آخر! خروج علیه کسی که هر چه باشد کدخدای ذهن خیلی از مردم عراق است؟! اصلاً مگر بلایی که در چند دولت قبل بر سر حسن آمد و نوهی عزیز پیامبر خدا را مجبور به صلح و گوشه‌نشینی کرد بس نبود؟! و اگر نبود همسر مومن و صالحه‌اش که دلش را روشن کند شاید به خودش نمی‌آمد که ای زهیر! داری فکر می‌کنی؟! این همه سال فکر کردن بس نبود که به دلت بقبولانی فرزندان رسول خدا به زهیرهای در تردید، نیاز داشته‌اند؟! برخیز و «این عمار» فرزند زهرا را اجابت کن... و زهیر رفت! چه لحظه‌های عاشقانه‌ای که بین زهیر و امام گذشت و هیچ‌کسی از آن خبردار نشد... زهیر که برگشت، دیگر زهیر سابق نبود! یک جور دیگری شده بود! شده بود عمار، که آن روزها درباره‌اش فکر می‌کرد قاطی بازی‌های سیاسی علی شده! شده بود میثم، شده بود حبیب. اصلاً به تنها چیزی که فکر می‌کرد، علی بود و غیر علی نمی‌دید! دیگر جناح دیگری نمی‌دید که بخواهد قاطی بازی‌شان بشود یا نشود! با

کشمکش‌های ذهنی می‌بینی! حسین، فرزند پیامبر، همان که عاشقش بوده، همان که دل‌خوشی از او نداشت، درست چند منزل آن‌طرف‌تر خیمه به پا کرده... شنیده بود که حسین، در حج غوغایی به پا و نیمه تمام آن را رها کرده است تا به دعوت مردم کوفه لبیک بگوید. باز هم یک بازی سیاسی!

**فرض کن حسین زهیر را به نزد خود نمی‌خواند و این هفتاد و دو، می‌شد هفتاد و یک! فرض کن زهیر در تردید ذهنی خود باقی می‌ماند و به خیال خودش، قاطی بازی‌های سیاسی حسین نمی‌شد! چه اتفاقی می‌افتاد؟!**

او هر چه بود، در عمق دلش مومن بود! می‌دانست حسین فرزند پیغمبر نازنینش است و مثل علی چه حقی بر گردن این امت دارد! شاید در دلش می‌گفت: «حسین! چرا تو هم خودت را وارد این بازی‌های سیاسی کرده‌ای؟» جریان حقی که از دید بعضی‌ها یکی از دو جریان اسلامی بود! چقدر خنده‌دار است که بخواهی باطل را هم در کنار حق یک جریان بدانی و اصلاً آدم حسابش کنی! دلش نمی‌خواست به حسین نه بگوید. اصلاً دلش نمی‌خواست که حسین چیزی به او بگوید که بعد بخواهد بگوید آری یا نه! اما درست جایی که با هم در یک منزلگاه فرود آمدند، شد آنچه

داستان زندگی بعضی از ما آدم‌ها چقدر خواندنی است! گاهی اوقات حتی به حقیقت هم اعتماد نمی‌کنیم؛ یعنی اعتماد می‌کنیم اما انتهای این دل پرآشوب ما هیچ‌وقت راضی نمی‌شود! از شیعیان عثمانی بود. از همان‌هایی که فکر می‌کردند خلیفه سوم مظلومانه کشته شده و علی (علیه السلام) هم دستش به خون او آلوده است... اصلاً با علی خوب نبود! اما هر چه باشد، هیچ‌کسی نمی‌توانست دلاوری‌های او را در کنار رسول خدا انکار کند! عاشق پیامبر بود! عبادت‌های خالصانه‌اش هم که بین اعراب زبان‌زد شده بود. بعد از فوت رسول خدا، به خیال خودش، وقتی دید که دیگر جنگ‌ها با دشمن خارجی نیست و به اصطلاح این مسلمان‌ها هستند که با خود می‌جنگند، شمشیرش را بوسید و گذاشت کنار! یعنی درست جایی که علی در حکمیت‌ها به کمکش نیاز داشت و حسن خیلی مظلومانه منتظر امثال او بود تا کار به «برجام» بین او و معاویه نکشد... توافقی که همه می‌دانستند هیچ‌وقت یک برنامه جامع اقدام مشترک بین معاویه و حسن نخواهد ماند! ولی خوب! امثال او آن موقع نمی‌خواستند از هیچ جناح سیاسی حمایت کنند! روزهای باشکوه حج تمام شده بود و همراه با عهد و عیال به عراق برمی‌گشت. کار خدا را ببین! درست موقعی که از روبرو شدن با مساله‌ای می‌ترسی و اعصابت به هم می‌ریزد خودت را وسط آن

## روزنگار هیئت میثاق با شهدا؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سیدمحمدحسین هاشمی گلپایگانی / جانشین مدیرمسئول: علی سلیمانی

سردبیر: محسن ذوالفقاری / روابط عمومی: مهدی مقدسی

تحریریه: عبدالحمید بیات، حامد صابر، محسن فیضی پور، علی خورشیدی، محمد اصغری، مهدی سیفی، محمد مهدی قاری، سید یحیی هاشمی، محسن رجبی، سیدعلی شاه‌صاحبی، داوود طالقانی و امیرمهدی طالبی

عکاس: نویدرضا کیوانی / طراحی: گروه طراحی خادم الشهداء

basijisu.ir

misaq.info

hayat.basijisu.ir

Fath@basijisu.ir

telegram.me/fathisu

پایگاه اطلاع‌رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

پایگاه اطلاع‌رسانی هیئت میثاق با شهدا

تارهای ماهنامه حیات

رایانامه فتح

کانال تلگرام (شماره ۰۹۱۰۴۹۷۰۲۳۵)

صفحه تلگرام ویژه نامه فتح به شماره ۰۹۱.۴۹۷.۲۳۵ جهت دریافت مطالب، پیشنهادات و نظرات شما با عضویت در کانال نشریه فتح فایل نشریه و مطالب را دریافت نمایید



## فصل خادمی

### حاشیه‌نگاری شب چهارم

شب گذشته اساتید درس تازه‌ای به دانشجویان خود دادند. درسی از جنس خادمی، این‌که در هر جایگاه و هر مقامی باشی، دکتر یا مهندس باشی، رییس یا معاون باشی، در دستگاه اباعبدالله خادم هستی. اینجا همه برای شاگردی می‌آیند. اینجا استاد حقیقی عباس (ع) است. اما آن طرف‌تر نیز کسانی که در پارکینگ‌های هیئت شاید به دور از مجلس روضه باشند، اما بیشتر مورد توجه ارباب باشند. اکنون فصل خادمی است...

